

نهج البلاغه با سر در بوم آینه

اگر از کسی بخواهید تا از پنج کتاب که در خانه ایرانیان مسلمان وجود دارد نام ببرد، بدون تردید پس از قرآن کریم از نهج البلاغه نام خواهد برد.

امروز نهج البلاغه این برادر قرآن و اثر ماندگار سید رضی (ره) آنچنان در میان شیعیان امیرمؤمنان (ع) آشناست که بیش از هر زمان دیگر توجه و اهتمام به آن ضروری به نظر می‌رسد.

شاید روزی که سید رضی در کارگردآوری و تألیف سخنان و کلمات مولای متقیان (ع) بود خود نیز نمی‌دانست توکل و خلوص او چه حاصل پربراری را برای همت و تلاش خستگی‌ناپذیرش رقم خواهد زد و به بار خواهد آورد.

گر چه خود وقتی در مقدمه نهج البلاغه به سبب تألیف کتاب اشاره می‌کند می‌گوید: «می‌دانستم در آن سودی بزرگ است و بلند آوازه گردد» اما به یقین او بیشتر در اندیشه و وظیفه الهی خود بوده و از سرعشق و ارادت به آستان مقدس امام علی علیه السلام چنین کار سترگی را آغاز کرده است و به این سرانجام نیاندیشیده که چه روزها این کتاب دست به دست خواهد گردید و چه شب‌ها کسانی بر سر صفحات آن خواهند گریست. چه شورش‌ها و قیام‌ها که از مضامین شورآفرین این کتاب برخوردار خواست. چه رشادت‌ها و شهادت‌ها که در اثر محتوای حیاتبخش و آگاهی‌آفرین آن سرخواهد گرفت.

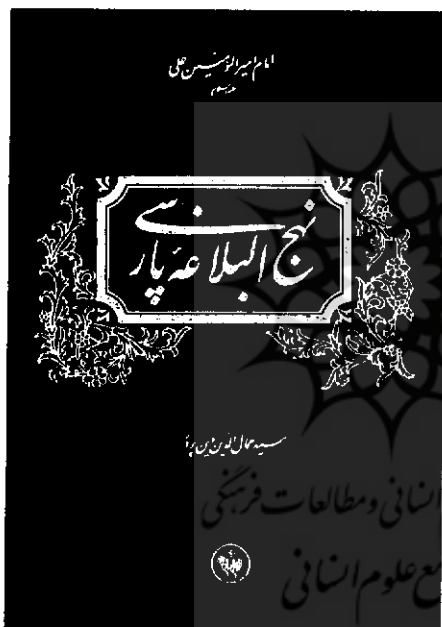
اینک که به اذعان اهل فن بیش از هر زمان دیگر نهج البلاغه کتاب زندگی و نیاز روزگار ما شناخته شده و از برکت نامگذاری دو سال پیاپی به سال امیرالمؤمنین (ع) نهج البلاغه

بیشتر از پیش به خانه های مردم راه پیدا کرده و زمینه انس و آشنایی همگانی با سخنان گهربار و گرانبدر پیشوای متقیان (ع) فراهم شده معرفی و عرضه ترجمه یا ترجمه هایی مناسب عموم مردم ضروری تر به نظر می رسد. نهج البلاغه البته در عین مظلومیت و گمنامی در میان عموم مردم، همواره مورد توجه و اقبال خواص بوده و کم نبوده اند آگاهان و فرهیختگانی که دواى دردهای خود را در آن جسته و از زلال کوثرش تشنگی جان خود را زدوده اند. تاکنون ترجمه ها، تفسیرها، واژه نامه ها و کتابهای بسیاری برای آن نگاشته شده و لاقفل در زبان فارسی ترجمه های بسیاری مخصوصاً در سالهای اخیر برای آن نگاشته شده است. در یک شمارش سردستی و ابتدایی ترجمه های فارسی مختلفی به خاطر می رسد.

۱. مرحوم فیض الاسلام
۲. آیت الله مکارم شیرازی
۳. مرحوم دشتی
۴. دکتر شهیدی
۵. آیتی
۶. افتخارزاده
۷. اسدالله مبشری
۸. معادیخواه
۹. علامه جعفری
۱۰. محسن فارسی
۱۱. محمد علی شرقی
۱۲. احمد سپهر خراسانی
۱۳. ناهید میرزا آقایی
۱۴. محمد مقیمی
۱۵. مرحوم مصطفی زمانی
۱۶. محمد بهشتی
۱۷. محمد جواد شریعت

۱۸. فریدون سالکی
۱۹. ذبیح الله منصوری
۲۰. محمد علی انصاری
۲۱. سید نبی الدین اولیایی
۲۲. علی اصغر فقیهی
۲۳. حسین استادولی و...

این ها جز ترجمه های منظومی است که به چاپ رسیده و همه اینها نیز جز ترجمه هایی است که بصورت نسخه های خطی باقی مانده و به چاپ نرسیده و در اختیار عموم قرار



ندارد. در همین حال، عده بسیاری از اهل فضل به ترجمه فارسی نهج البلاغه مشغولند و کسانی همچون آقای سید مهدی شجاعی نیز با تکیه بر قلم پرتوان و روان خود مخاطب جوان را هدف گرفته اند.

اینها همه البته هیچگاه انتظار و توقع از بنیاد نهج البلاغه را منتفی نکرده است. پس از انقلاب اسلامی و تأسیس بنیاد نهج البلاغه این انتظار همواره از بنیاد نهج البلاغه بوده که

به عنوان رسمی ترین و معتبرترین نهاد متولی این امر مقدس به عرضه ترجمه ای روان، متقن، دقیق و زیبا از نهج البلاغه بپردازد و جدا از مخاطبان خاص در چنین کاری به مخاطب عام توجه کند که این روزها بیشتر از همیشه نسبت به این کتاب ارزشمند روی آورده و نسبت به آن رغبت و علاقه نشان می دهند. حجت الاسلام و المسلمین سید جمال الدین دین پرور که ریاست عالیه بنیاد نهج البلاغه را از آغاز تأسیس آن با نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) بر عهده داشته اند به عنوان چهره ای شناخته می شوند که از آغاز جوانی به نویسندگی و نشر معارف اسلامی خصوصاً برای نسل جوان اهتمام داشته اند و از معدود افرادی هستند که در حوزه های علمیه دارای افکار نو و اندیشه های روشن بوده و نسل جوان حوزه های علمیه در سالهای قبل از انقلاب به شمار می رفته اند. سابقه نگارش ادبی زیبا و روان ایشان به خصوص در آثار ارزنده ای چون «جهانگشای عادل» اقتضا می کرد که بسیار زودتر از اینها ترجمه ای روان و همه فهم از نهج البلاغه به قلم ایشان انتشار یابد. این انتظار البته اینک به سرآمده و ترجمه ایشان از این کتاب گرانقدر با نام زیبایی «نهج البلاغه پارسی» به بازار راه یافته است. مهمترین ویژگی این ترجمه از نام آن پیداست. اگر رسالت ترجمه را ادای مقصود و بیان مطلوب از زبان مبدأ به زبان مقصد بدانیم و باور داشته باشیم ترجمه ای موفق و مطلوب است که بتواند کنه و عمق مفهوم مورد نظر را در متن اصلی به زبان دوم برگرداند. در این صورت «نهج البلاغه پارسی» پیش از هر چیز فهم و درک صحیح و آسان مخاطب فارسی زبان را مورد نظر قرار داده و در رسیدن به این

مقصود موفق شده است.

مترجم محترم خود در عنوان فرعی کتاب این تعبیر را به کار برده اند: «ترجمه متن و محتوای کلام امیرالمؤمنین علی (ع) بر اساس فرهنگ و ادب پارسی».

کتاب در قطع وزیری و چاپ دو رنگ (متن سیاه و زمینه صفحات دورنگ آبی) در ۱۳۱۴ صفحه به چاپ رسیده و به جز مقدمه مترجم بخشی از پیام حضرت امام خمینی به کنگره هزاره نهج البلاغه را در آغاز آن می خوانیم. همچنین در پایان کتاب یادداشت های مترجم بر اساس شماره های فرعی متن ترجمه و نیز فهرست عناوین خطبه ها، نامه ها، حکمت ها همراه با عنوان های متفاوت ترجمه فارسی آمده است. در نخستین نظر سختی ترجمه نهج البلاغه و اهمیت ویژه آن به چشم می آید. نهج البلاغه کتابی است که با رویکرد ادبی و تخصصی گردآوری و تألیف شده و مؤلف آن نیز خود از سرشناس ترین چهره های ادبیات عرب است تا آنجا که سید رضی را بزرگترین شاعر زمان خود دانسته اند. برگردان چنین اثر گرانقدری خصوصاً با نظر به مخاطب عام و متناسب با شرایط روز به طور طبیعی کار آسانی نیست. «نهج البلاغه پارسی» از این جهت اثری قابل توجه است گرچه اگر در کیفیت چاپ و فرم صفحه آرایی و تزئین آن دقت بیشتری می شد و ویرایش فارسی ظریف و هوشمندانه ای نیز بر آن صورت می گرفت اثری به مراتب مورد توجه تر پدید می آمد. مترجم محترم با رویکرد پارسی کردن نهج البلاغه آن هم برای مخاطب سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ ابتدا عنوان های اصلی را آگاهانه تغییر داده و لزوماً به عنوان های انتخابی مؤلف وفادار نمانده است و آنگاه با اضافه کردن

عنوانهای فرعی در هر بخش متن را کوتاه کرده و به صورت پاره‌های مختلف از هم جدا ساخته است.

تنها در حد چند نمونه به این عناوین دقت کنید تا دریابید چگونه برخلاف ترجمه‌های فارسی معمول نهج البلاغه این بار مخاطب با ترجمه‌های روزآمد و زنده از این کتاب روبروست.

الف) خطبه‌ها:

۱. آغاز آفرینش

۸. پیمان شکنان

۲۷. به بهشت جهاد درآید.

۷. انتخابات آری، توطئه هرگز

۱۲. جنگ تنها با جنگ افروز

۲۳. من در انتظار شهادت بودم

۶۱. انتقاد صریح از کارگزاران

۷۹. هرگز آرزوی مرگ مکن

۷۷. روش گفتگو و مناظره

ج) سخنان حکمت‌آمیز و پند

۲. آزمندی ممنوع

۳۶. به شخصیت خود احترام گذارید

۴۷. درخت دوستی نشان

۸۱. یادگار شهیدان

۱۳۵. فرزند کمتر، زندگی بهتر



۵۰. ایجاد شبهه، توطئه دشمن برای حمله

۵۶. تشخیص وظیفه در بحرانهای سیاسی

۷۱. شناخت، انگیزه درود

۷۶. حق گرفتنی است

۸۷. امام و رهبر، استوانه وحدت و رفع اختلاف

۱۲۳. فرار از جبهه

۱۶۸. پاسدار حکومت اسلامی باشید

۱۷۶. تا زنده ایم رزمنده ایم

۲۱۱. رفاه زدگی، مانع بزرگ خودسازی

ب) نامه‌ها

۵. کارگزاری حرفه نیست، امانت است

۱۹۶. همیشه دانش پژوه باشید

۲۵۹. غم روزی مخور، برهم مزن اوراق دفتر

را

۳۴۶. درس تبریك

۳۸۵. عطر آگین باشید

۳۹۰. دنیا دوروز است

۳۹۵. همه کاره، هیچ کاره

علاوه بر این برای پاره‌ای از عنوان‌های

مطالب عبارات آشنای فارسی از اشعار و

ضرب‌المثل‌های معروف انتخاب شده که هم

به ذهن خواننده نزدیک تر است و هم درک

مطلب را مأنوس تر و روان تر می‌سازد. به این نمونه‌ها دقت فرمایید.

۱۴۵. لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان
بر اثر صبر نوبت ظفر آید.

۳۰۶. ردوا الحجر من حیث جا

کلوخ انداز را پاداش سنگ است.

۳۷۲. رب مستقبل یوما لیس بمستدبره

ناگهان بانگی برآمد خواجه مُرد.

۳۸۹. کل مقتصر علیه کاف

قناعت توانگر کند مرا را

۴۰۱. القلب مصحف البصر

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

۴۱۲. ان ابصار هذه الفحول طوامح

زدست دیده و دل هر دو فریاد

این عنوان‌های فرعی علاوه بر تفکیک روشن

موضوعات در هر خطبه یا نامه و دسته‌بندی

دقیق تر آنها باعث شده است که خواندن متن

ترجمه نیز روان‌تر و شیرین‌تر شود و خواننده

با آن ارتباط بهتری برقرار سازد. ترجمه متن

چنانکه مترجم محترم خود اظهار داشته‌اند

تحت‌اللفظی نیست. این توجه و دقت خصوصاً

در مواردی که فهم کلام حضرت امیر(ع) نیازمند

آشنایی با زمینه‌های تاریخی و سیاسی زمان صدور

کلام هستند بسیار مهم است و نشان‌دهنده

ضرورتی است که حجت‌الاسلام والمسلمین

دین‌پرور پس از بیست سال حشر و نشر با این

کتاب گرانقدر احساس کرده‌اند.

خواننده عام به طور طبیعی شرح و تفسیر بعضی

عبارات آن حضرت در مورد زنان را که حتی

بعضی نسخه‌ها به آن عنوان «نکوهش زن‌ها»

داده‌اند در نمی‌یابد. اینجاست که حساسیت

ترجمه چنین متن مهم و ظریفی برای مخاطب

عام بیشتر به چشم می‌آید. مترجم محترم در

مقدمه خود با اشاره به این موضوع می‌نویسد:

«امانت در ترجمه ایجاب می‌کند کلام امام

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام طوری بیان

شود که شبهه ایجاد نکند و برخلاف واقع

مطلبی را منعکس نسازد. اینجا ترجمه

تحت‌اللفظی رعایت امانت نیست اگر نگوییم

خیانت و خلاف حقیقت است. پس ترجمه

درست آن نیست که مترجم هر چه در کتابت

لغت آمده است همان را بیاورد. اوضامن محتوا

و مفهوم است. گاه ایجاب می‌کند اصل متن

تحت‌اللفظی ترجمه نشود و به جای آن جمله‌ای

که جان کلام است آورده شود و گاه می‌بایست

کلمه‌ای در ترجمه اضافه یا کم شود و نیازی هم به باز

کردن پراتز و قلاب و ... ندارد، و بسیاری از اوقات

باید در پانویس توضیح داد و یا به کتاب و نوشته‌ای

ارجاع نمود. امانت در ترجمه یک اصل درست و

قابل احترام است اما اصول دیگری هم هست که

باید رعایت شود. جلوگیری از القای شبهه و

تشویش ذهن خواننده و ارائه بحث جامع و

کامل هم از همان اصول مسلماً و پذیرفته شده

است.» با چنین دیدگاه و نظری مترجم گاه به

جای محصور شدن در قالب الفاظ و کلمات

متن عربی مفهوم و محتوای مطلب را چنان که

در متن اصلی دریافت می‌شود به خواننده

فارسی زبان ارائه می‌کند و به عنوان مثال در

ترجمه این عبارت چنین می‌نویسد:

فلو أن امرأ مسمأ مات من بعد هذا أسفاً ما كان

به ملوماً بل كان به عندی جدیراً

«فریاد از این سستی! براستی مردن به از این ماندن»

در صورتی که اگر قرار بود عیناً به متن اصلی وفادار باشد

باید چنین ترجمه می‌شد: «پس اگر مردی مسلمان بعد از

این به تأسف بمیرد من او را سرزنش نخواهم کرد بلکه در

نزد من چنین مرگی سزاوار خواهد بود.»

این ترجمه چنین جنسی دارد. نثر روان و تقریباً یکدست

آن به همین ترتیب تا پایان کتاب با خواننده ارتباط برقرار

می‌کند و در هر قدم به زبان و ادبیات امروز با خواننده سخن می‌گوید. تعبیر قابل فهم و روشن در نمونه‌هایی چنین بسیار به چشم می‌خورد: الیمین والشمال مصله والطریق الوسطی هی الجاده چنین برگردان شده است: (راست گرایی) و «چپ گرایی» گمراهی است، «راه همان اعتدال و میانه روی است».

مع کُلِّ شئٍ لا بمقارنۃ را با عنوان «عالم محضر خداست» جدا کرده و چنین برگردانده است «او با همه پدیدگان است ولی ناپیوسته»

این جنس نثر در عباراتی چون اینها بیشتر نمایان می‌شود؛ آنکه بپردازد با شما در نبرد پیروز شود کسی را ماند که بخواهد با «برگه‌های پوچ» برنده شود... چه می‌گویید؟ «حرف حسابتان» چیست؟... او «کوه» را «کاه» جلوه می‌دهد...

گاهی نیز دقت مترجم در حفظ عبارت اصلی متن نمایان می‌شود. در مواردی که عبارت خاصی قابل فهم در زبان فارسی نیست و موضوع نیاز به شرح و تفسیر دارد مترجم بیان موضوع را به یادداشت‌های خود واگذاشته و با وارد کردن کلمات فارسی نامأنوس یا نامربوط خواننده را دچار سرشکستگی نکرده است. عبارت «لاهمامۃ نفس اضطراب فیها» در خطبه آغازین کتاب چنین است. تعبیر «همامۃ نفس» معنایی عمیق و فلسفی-کلامی دارد و در شروح نهج البلاغه مفاهیم متفاوتی برای آن برشمرده‌اند. مترجم محترم عیناً در ترجمه فارسی همین کلمه را به کار برده و نوشته‌اند: «نیازی به حرکت جدید در ذات خود و یا «همامه‌ای» از فراسوی آن نداشت». در حالیکه بعضی مترجمان دیگر عباراتی چون «پتیاره» در مقابل این تعبیر آورده‌اند یا به بیان کلی موضوع اکتفا کرده‌اند.

ویژگی دیگری که این ترجمه دارد دقت در چاپ سیاه بعضی کلمات متن ترجمه و ایجاد تمایز آنها با حروف نازک متن است. به این ترتیب توجه خواننده در هنگام مطالعه به بعضی واژگان کلیدی جلب می‌شود و این نیز وسیله دیگری برای خوانش روان و ساده متن خواهد بود. چنان که وقتی سخن حضرت علی (ع) با این مضمون که مردم چهار گروه هستند نقل می‌شود در ترجمه عبارات مختلف با چاپ اعداد جدا شده و با ذکر ۴،۳،۲،۱ در آغاز هر جمله این هدف بیشتر تحقق می‌یابد.

چنین دیدگاه و کوششی کمک می‌کند تا خواننده‌ای که برای نخستین بار نهج البلاغه را در دست می‌گیرد یا در پی یافتن متن روان و خوشخوانی از ترجمه نهج البلاغه است در مقابل این ترجمه احساس راحتی کند و به زبان روز مفاهیم آن را درک نماید و به گمشده و مطلوب خود تا حد زیادی دست پیدا کند. این ترجمه از این جهت به طور خاص برای جوان‌ترها مناسب است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت بنیاد نهج البلاغه اینک یک ترجمه خانواده از این کتاب گرانسنگ بدست داده و در سال امام علی (ع) به ارادتمندان و دوستان آن بزرگوار تقدیم کرده است.

این نوشته را با عبارات آغازین مقدمه مترجم به پایان می‌بریم که با نثری شیوا و قلمی روان، دست احساس خواننده را می‌گیرد و در گلگشت این بوستان سخن و اندیشه با خود همراه می‌کند:

«به تماشای این اقیانوس نشسته‌ام و چشم به راه امواجی هستم که بزرگوارانه به رویم بپاشد. گهگاه دورخیزی کرده‌ام تا کام خود را به شبنم موجهاتر سازم و روح عطشناک و ملتهم را بدان زنده کنم و از حلاوت آن جانی تازه گیرم و دوباره به انتظار موجکوب ساحل و تراوشی دیگر نشینم. انگشته‌ای را مانم، چگونه آب دریا را کشم؟»

نهج البلاغه

شماره اول ۱۰۳